توازن تعبیر «کلیة الاجناس» با آیه‌ی «و ان من شیء الا عندنا خزائنه ...»

حال این آیه شریفه را ببینید که چقدر مضمونش عالی است! آیه‌ای که هر باری بخوانید یک چیزی می‌فهمید. «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ»[1]؛ هر چیزی یک خزینه ندارد؛ نمی‌فرمایند: «خزینته». «ان من شیء الا عندنا خزائنه». هر باری که این آیه را بخوانید یک چیزی می‌فهمید. هر فکر جدیدی کردید و فکرتان پیش رفته است، اگر این آیه را بخوانید، چیز جدیدی می‌فهمید. در این آیه، عجایب است. «وَمَا نُنَزِّلُهُ»؛ مرجع ضمیر «ه» چیست؟ «شیء». پس یک شیء داریم که خزائن دارد و آن خزائن عندنا است و تنزیل پیدا می‌کند. تنزیل آن به چیست؟ «بقدر». مادی تقدیری

به‌معنای تنگ شدن و محدود شدن است. «فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ»[2]؛ «قدر» به‌معنای تنگ گرفتن است. «إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ». یکی از معانی‌ای که اگر درست باشد، این است: هر خزینه‌ای در طول هم است. برای خزینه‌ی بالا یک قَدَر می‌آید و خزینه‌ی پایین تشکیل می‌شود، ولی باز هنوز خزینه است.

شاگرد: بینهایت بالا می‌رود و بینهایت پایین می‌آید.

استاد: فعلاً به آنجا نرویم.

«و ما ننزله الا بقدر»؛ مدام آن را به قَدَر پایین می‌آوریم. مضمون خیلی عجیب است. حال به اینجا بیایید. الآن حضرت علیه السلام می‌فرمایند: هر چیزی یک «کلیة» دارد. «کل» یعنی چه؟ یعنی مراتب دارد؛ خزائن دارد. درعین‌حالی که «کل جنس» خزائن دارد، فطور و زوال هم دارد. در مراتب نزول تنزیلات، خاص خودش را دارد؛ «و ما ننزله الا بقدر معلوم».

بنابراین «کلیة الاجناس»، مجموع این‌ها شد. عجزش هم که روشن شد. «فطورها علی قدمته و زوالها علی بقائه»؛ خداوند متعال این خصوصیت را در فرد گذاشته است.

---

[1]. سوره‌ی حجر، آیه‌ی ۲۱.

[2]. سوره‌ی فجر، آیه‌ی ۱۶.

بازبینی #1
ایجاد شده 27 ژوئیه 2024 16:02:36 توسط ... .

به روزرسانی شده 27 ژوئیه 2024 16:02:48 توسط ... .